



◀ تنها به یک شرط

اگرچه تا پیش از خروج ایالات متحده آمریکا با دستور «دونالد ترامپ» از توافق هسته‌ای هم منافع ایران در برجام تامین نشده و طرف‌های غربی در اجرای تعهدات خود بسیار بد عمل کردند و بارها این توافق را نقض کردند، اما خروجی رسمی آمریکا از برجام و وضع تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران کاملاً ماجرای توافق هسته‌ای را دگرگون ساخت، و برجام را از «هیچ مطلق» به «خسارت محض» تبدیل کرد! اما با این وجود دولت جمهوری اسلامی بر اساس راهبرد صبر استراتژیک به طرف‌های حاضر در برجام به ویژه دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا این فرصت را داد که خروج آمریکا از برجام را جبران و منافع ایران در توافق هسته‌ای را تامین کنند! اما آنها به جای حرکت در این مسیر تمام فرصت یک‌ساله خود را به لفاظی و بیان وعده‌های واهی گذراندند! تا در نهایت، در سالروز خروج آمریکا از برجام سیاست جمهوری اسلامی ایران بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی از «صبر استراتژیک» به «توقف مرحله به مرحله تعهدات برجامی» تغییر کرد.

تحولی که اگرچه اروپایی‌ها اول سعی کردند آن را ندیده بگیرند و اعلام کنند هیچ ضرب‌الاجلی از سوی تهران را نمی‌پذیرند، اما با نزدیک شدن به روزهای پایانی گام اول ضرب‌الاجل و عبور میزان ذخائر اورانیوم غنی شده ایران از سقف تعیین شده در برجام، به جدی بودن تهران در تغییر رویکردش پی بردند، و شاهد تقلا و تلاش این کشورها با هدف بازگرداندن ایران از این مسیر بودیم، طرح موضوع اینستکس و بیان وعده‌های جدید از یک سو، و توقیف نفتکش ایران به دست دولت انگلیس و تهدید کشورمان از سوی وزارت خارجه انگلیس مبنی بر اعمال تحریم علیه تهران در صورت ادامه این رویکرد از سوی دیگر، را می‌توان دو راهکار دولت‌های اروپایی برای منصرف کردن ایران دانست، اما «لندن»، «پاریس» و «برلین» باید بدانند که، نه لفاظی‌ها و نه تهدیدهایشان موثر نخواهد بود، و ایران، تنها به شرط تامین منافع صددرصدی‌اش به تعهدات برجامی بازخواهد گشت.

◀ راه حل، پایان اشغالگری است

همه توطئه‌های مثلث شوم آمریکایی، صهیونیستی و سعودی در منطقه غرب آسیا شکست خورده است؛ رگ حیات گروه‌های تروریستی را نیروهای مقاومت قطع کردند، سناریو سرنگون کردن دولت قانونی سوریه کاملاً شکست خورد تا آنجا که کشورهای اروپایی و دولت‌های عربی به ناچار سفیران خود را به سوریه بازگرداندند، سال‌ها جنایت در یمن، هیچ دستاوردی برای ائتلاف سعودی و حامیانش نداشته و این جنگ تمام عیار تنها به افزایش قدرت و اقتدار نیروهای «انصار الله» منجر شده است، در لبنان توطئه اختلاف افکنی میان «حزب الله» و دولت با فضاحت روبرو شده است و در سرزمین‌های اشغالی نیروهای مقاومت دست برتر را چنان در اختیار دارند که صهیونیست‌ها جرات روشن کردن آتش جنگی تازه را ندارند! این شکست‌های پی‌درپی رئیس‌جمهور ایالات متحده را به این فکر انداخت تا توطئه‌ای دیگر را با مشارکت حداکثری برخی دولت‌های وابسته عربی طراحی کند! توطئه‌ای تحت نام معامله قرن!

طرحی که طرفداران آن می‌گویند می‌تواند مناقشه فلسطین! را برای همیشه حل کند! اما چگونه؟ بر اساس این طرح مسئله آوارگان فلسطینی با «وطن جایگزین» در خارج از فلسطین اشغالی حل و «حق بازگشت» آوارگان فلسطینی به کشورشان برای همیشه لغو می‌شود! قدس پایتخت رژیم صهیونیستی شده و در مقابل سرمایه‌گذاری‌های بلندمدتی در اختیار فلسطینیان قرار می‌گیرد! طرحی وقیحانه که حتی رئیس‌تشکیلات خودگردان، تشکیلاتی که به تعامل و معامله برای حل مسائل مشهور است، را عصبانی کرده است، «محمود عباس» گفته است «دیگر چیزی وجود ندارد که بتوان بر سر آن مذاکره کرد».

با این اوصاف، نظر دیگر فلسطینیان کاملاً واضح است، اما با وجود این، دولت «بحرین» حاضر می‌شود میزبان اولین نشست در راستای تحقق این سناریو باشد، همراهی‌ای که جز ننگ برای این دولت و دیگر همراهان این طرح، هیچ رهاوردی نخواهد داشت! چرا که آنها خود نیز به خوبی می‌دانند تنها راه حل، پایان اشغالگری است.

◀ مواضع عجیب

«اروپا تلاش می‌کند تا به هر ترتیب ممکن این توافق (برجام) را حفظ کند، سخنان امانوئل مکرون نشان دهنده آن است که این امکان وجود دارد که آمریکا اصل برجام را بپذیرد، اما مشکل اصلی بر سر آن است که زمان تعهدات ایران در برجام خیلی کوتاه مدت است. همان گونه که «هایکو ماس» وزیر خارجه آلمان مطرح داشت که ما نمی‌توانیم معجزه کنیم، هایکو ماس به وزیر خارجه کشورمان گفته بود که اگر ما بخواهیم اینستکس را عملیاتی کنیم و انتظارات ایران را پاسخ دهیم، ایران سه تعهد را باید عملیاتی کند» این بخشی از مطلبی است که در روزنامه اصلاح‌طلب «آرمان» و به قلم «علی بیگدلی» با عنوان «اروپا در تلاش برای احیای برجام» منتشر شده است!

جملاتی که به جای آنکه از نقش اروپا در شکست برجام سخن بگوید، تلویحاً اعلام می‌کند، اگر جمهوری اسلامی ایران شروط اروپایی‌ها و ملاحظات آمریکایی‌ها را اجرایی می‌کرد سرانجام توافق هسته‌ای چیز دیگری بود!

اما این شروط چیست؟ براساس آنچه رسانه‌های غربی منتشر کرده‌اند این شرط‌ها عبارت‌اند از: «توقف توان موشکی»، «توقف فعالیت‌های منطقه‌ای ایران» و «به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی»!

کمی عجیب نیست؟ رسانه‌ای در داخل ایران که اتفاقاً از یارانه‌های دولتی نیز بهره‌مند است، به جای مطالبه منافع ایران و نگارش یادداشت‌هایی در رسوا سازی اروپایی‌ها و سیاست‌های خبیثانه‌شان، دولت ایران را متهم کند که باید بیش از این امتیاز می‌داده تا طرف‌های غربی مجاب به اجرای برجام شوند؟ این مواضع از سر ضعف و دادن حق به طرف مقابل در حالی که نقض تعهدات و عهدشکنی غربی‌ها موضوع غیرقابل انکاری است، جز آنکه موجب تضعیف دولت ایران برای احقاق حق خود و تامین منافع ملی ایرانیان شود، چه سودی دارد؟

مؤلفه های تحلیل واقع نگر بر اساس بیانیه گام دوم نقاط قوت انقلاب اسلامی (۲)

اشاره: پیش از این بیان شد که برای دست یابی به تحلیل واقع نگرانه انقلاب اسلامی، باید مؤلفه های داخلی و خارجی دخیل در تحلیل در کنار یکدیگر مورد ارزیابی قرار گیرند: مؤلفه های درونی (نقاط قوت و نقاط ضعف) و مؤلفه های بیرونی (فرصت ها و تهدیدها). در یادداشت قبل مهم ترین عامل قوت نظام یعنی «استقلال» و بنیان آن: «خودباوری» را بررسی کردیم. در این قسمت به آثار و نتایج اقتدار آفرین عنصر استقلال در نظام سیاسی مختلف جامعه ایران بعد از انقلاب می پردازیم.

پیشرفته ترین نوع نظام حکومتی در جهان

از مهم ترین دستاوردهای استقلال در عرصه سیاست داخلی، دست یابی به قدرت تعیین سرنوشت و نظام سیاسی است. مهم ترین شاخص ارزیابی نوع حکومت ها در سطح جهان، میزان «مشارکت سیاسی» مردم در انتخاب حاکمان است. این شاخص هم در تفکر مادی گرای لیبرالیستی حاکم بر جهان و هم در اندیشه ادیان توحیدی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ناگفته پیداست که سخن گفتن از مردم سالاری در شرایط حاکمیت های وابسته به نظام سلطه فریبی بیش نیست. انتخابات از ابزارهای مهم تحقق مردم سالاری است. به عبارت دیگر میزان مشارکت انتخاباتی^۱، شاخص اصلی مشارکت سیاسی است، زیرا مردم می توانند به صورت مستقیم نظر خود را درباره تصمیمات مهم ابراز نمایند. لذا میزان مشارکت مردم در انتخابات، نمایانگر خرسندی آنها از روند پیشرفت دموکراسی و در عین حال رضایت شان از سیستم حاکمیتی می باشد. بر اساس گزارش دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: «طی چند دهه گذشته، به رغم تلاش کشورهای مختلف برای مشارکت بیشتر شهروندان، میزان مشارکت در انتخابات در سراسر جهان کاهش یافته^۲ و این مسئله باعث نگرانی حکومت ها و نهادهای برگزار کننده انتخابات شده است. نگرانی از آنجا ناشی می شود که مشارکت در انتخابات همواره از پایه های مهم نظام های دموکراتیک تلقی می شود و بنابراین کاهش مشارکت در انتخابات می تواند مشروعیت این نظام ها را به خطر بیندازد.» پایگاه اینترنتی International Idea (موسسه بین المللی دموکراسی و کمک به انتخابات) که در استکهلم استقرار دارد آمار قابل توجهی در رابطه با انتخابات در کشورهای مختلف ارائه می دهد. در ایران پس از انقلاب به طور متوسط «هر سال، یک انتخابات» برگزار شده است که در عرصه دموکراسی های معمول در دنیا بی سابقه است. درباره ارزیابی مردم سالاری دو شاخص وجود دارد:

۱. بر اساس حجم آراء؛ حجم آرای ایران بعد از انقلاب، در سطح قاره بزرگ آسیا «دوم» و در سطح جهان «ششم» است.
۲. بر اساس درصد آراء؛ بالاترین رکورد درصد مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری ایران به سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) به میزان ۸۴.۷۷ درصد باز می گردد. رکورد بالاترین درصد آراء رئیس جمهور نیز متعلق به آیت الله خامنه ای در انتخابات سال ۱۳۶۰ با ۹۵ درصد می باشد. در بسیاری از کشورهای مدعی دموکراسی و لیبرالیسم، ارتباط و پیوند بین مردم و مسئولان نظام، پیوند عمیق و عاطفی نیست. از جمله درصد مشارکت انتخابات در آمریکا ۵۳،۶۰ می باشد.

^۱ voter turnout, turnout, voting turnout

^۲ Niemi and Weisberg p. ۳۱

میزان مشارکت بالای مردم ایران در انتخابات

با این حد نصاب، میانگین مشارکت‌های مردمی در ج.ا.ایران بسیار بالاتر از کشورهای مدعی دموکراسی است. نوع مشارکت مردم در بیشتر نظام‌های سیاسی دنیا، یا پارلمانی است و یا ریاستی؛ اما در ایران مشارکت به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. از صدر تا ذیل نظام؛ با رأی مردم تعیین می‌شوند. انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا، هریک به نوعی امکان مداخله مردم در سرنوشت خویش را محقق کرده‌است.

مسئله‌ای که نمی‌توان از کنار آن گذشت، وضعیت مشارکت در کشورهای دیگر جهان است. در بسیاری از کشورها، میزان مشارکت مردم در انتخابات با وجود سابقه طولانی آن‌ها در برگزاری آن، چندان چشم‌گیر نیست. در سال‌های اخیر این میزان مشارکت در کشورهای غربی به دلیل بحران‌های سیاسی و اقتصادی کمتر نیز شده است. به عنوان مثال، در یک قرن اخیر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، همواره قریب ۵۰ درصد از جمعیت ایالات متحده شرکت نکرده‌اند. درصد مشارکت مردم برای انتخاب اعضای کنگره نیز همیشه بین ۳۰ تا ۴۰ درصد در نوسان بوده است. میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی فرانسه نیز بین ۴۰ تا ۶۰ درصد می‌باشد. درصد مشارکت در ریاست جمهوری تا قبل از سال ۲۰۱۱ معادل ۳۱.۲۱ بود و مخالفت جدی مردم با سیاست حاکم، موجب حضور بیشتر آنها در انتخابات اخیر شد.

در حالیکه در ج.ا.ایران، در انتخابات پارلمانی ۴۰ سال گذشته، میزان مشارکت از ۵۱ تا ۷۱ درصد متغیر و میانگین درصد مشارکت از میانگین کشورهای غربی بالاتر است. در غرب آسیا (خاورمیانه) نیز برگزاری انتخابات، برخورداری از حق رأی و شرکت در انتخابات هنوز چالشی عمده محسوب می‌شود.

از نظر سایر مؤلفه‌های مشارکت سیاسی بعد از انقلاب با طرد رژیم سلطنت موروثی و استقرار نظام مردمسالاری دینی زمینه مشارکت مؤثر مردمی در فرآیند تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و اداره جامعه فراهم شده است. اصول قانون اساسی حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن، آزادی مطبوعات، تساوی حقوق مردم، حمایت قانون از همه به طور یکسان، آزادی احزاب، جمعیت‌ها و اداره و اعمال نظارت از طریق شوراهای ... را به رسمیت شناخته است.

رهبر حکیم انقلاب در بیانیه گام دوم، با عنایت به جایگاه بسیار کلیدی «تعیین نوع نظام»، جمع بین جمهوریت و اسلامیت را نخستین درخشش استقلال کشور برشمردند:

«انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای

تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست

نیامد. و این «نخستین» درخشش انقلاب بود.»^۳

ایشان ثمره و نتیجه ماموس و آشکار مردمسالاری را پایان دادن به وابستگی و حقارت ملی ناشی از آن دانسته، کلید پیشرفت کشور را مشارکت مردمی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و حتی سیاست خارجی نظام می‌دانند:

«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر

شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین

سلطنت استبدادی را به «حکومت مردمی و مردمسالاری» تبدیل کرد و عنصر «اراده ملی» را که

جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد. ... ثالثاً؛ مشارکت

مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی

و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری

^۳ بیانیه گام دوم انقلاب

که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.^۴

پرسش روز

با توجه به اینکه نسل فعلی انقلاب با نسلی که در سال ۱۳۵۸ به قانون اساسی فعلی رأی داده متفاوت است و احتمال دارد تمایلات و خواسته های متفاوتی داشته باشد، چرا رفراندوم مجدد قانون اساسی تکرار نمی شود؟ در این باره به جملاتی از رهبر کبیر انقلاب نیز استناد می شود که در برابر رژیم شاهنشاهی فرمودند، اگر نسل های گذشته هم این رژیم را خواسته اند ما ملزم به پذیرش آن نیستیم و از نظر ما مورد قبول نیست. بنابراین، در سال ۵۷ پدران نسل فعلی خواستار جمهوری اسلامی بودند و نسل فعلی ملزم به پذیرش این خواسته نیست و حق دارد غیر از آنچه آنها خواسته اند انتخاب کند و از این رو باید نسل جوان با رفراندوم نظر خود را به طور مستقیم اعلام کنند که این نظام را می خواهد یا نه؟

پاسخ کارشناسانه

این پرسش دربردارنده ۲ مقدمه و یک نتیجه است:

- مقدمه اول:** لزوم برگزاری رفراندوم مجدد قانون اساسی پس از تغییر هر دوره نسلی؛ البته تلاش شده این مقدمه از طریق تفسیر نادرست عبارت منتسب به حضرت امام (ره) اثبات شود؛
- مقدمه دوم:** مفروض گرفتن تعارض نگرش بنیادین نسل کنونی و نسل اول انقلاب؛
- نتیجه مقدمات:** لزوم برگزاری رفراندوم مجدد قانون اساسی در ج.ا.ایران؛

در تبیین مقدمه اول باید یادآور شویم پرسش های مرتبط با قانون اساسی ذیل درس «حقوق اساسی» در دانشگاه های جهان و ایران بررسی می شود. این درس که معمولاً جزو دروس عمومی دانشجویان همه رشته هاست، مرجع پاسخگویی به این پرسش است.

مطابق دانش حقوق اساسی، اولاً: تعیین نوع حکومت و قانون اساسی کشور یک بار انجام می شود و تا کنون بیش از این حتی از جانب بزرگترین مدعیان دموکراسی نیز گزارش نشده است. یعنی تا هنگامی که یک رژیم دچار فروپاشی نشده، قانون اساسی اولیه البته با امکان تغییرات جزئی، برقرار است و هیچ گاه کلیت آن به رفراندوم گذاشته نمی شود. البته طبیعی است در صورت فروپاشی یک نظام سیاسی، طبیعتاً انتظار می رود در صورت التزام حکمرانان جدید به لوازم مردمسالاری، قانون اساسی جدیدی نوشته و به رفراندوم گذاشته شود. به نظر می رسد آنچه از امام خمینی (ره) نقل شده، ناظر به این تغییر حاکمیت و حکومت بوده است. یعنی وقتی مردم اساس رژیم پادشاهی موروثی را نخواهند طبیعتاً قانون اساسی آن نیز از مشروعیت و مقبولیت می افتد. در تعیین نوع نظام حکومتی ایران نیز رفراندوم گسترده ای و در شرایط رقابتی سالم برگزار گردید و بیش از ۹۸ درصد شرکت کنندگان جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. به علاوه قانون اساسی نیز پس از نگارش توسط نمایندگان طیف ها و نگرش های مختلف بر مبنای رویکرد حقوقی و با لحاظ انتخاب اکثریت مطلق مردم به رفراندوم گذاشته و تأیید شد. در استمرار حاکمیت موجود، فرایند تغییر قانون اساسی در خود قانون درج شده و این فرایند نمی تواند علیه اصول اساسی و خلاف آن باشد. اصل ۱۷۷ که آخرین اصل قانون اساسی است به بازنگری در قانون اساسی اختصاص دارد: «بازنگری در قانون اساسی ج.ا.ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می گیرد: مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می نماید: ... شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه

به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه پرسی برسد.» آنگاه تصریح می نماید: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف ج.ا. ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.»

اما درباره مقدمه دوم پرسش فوق باید گفت روشن است چنانچه زمانی اکثریت قریب به اتفاق نسل کنونی یا نسل نخست تمایلی به حاکمیت اسلام و محتوای اسلامی قوانین حکومت نداشته باشند از طریق قواعد نافرمانی مدنی این تمایل خود را ابراز خواهند کرد. لکن در شرایطی که نظام سیاسی کنونی ایران به طرق مختلف به ویژه استقامت ملی حداکثری مردم در برابر انواع مدل های حکومتی غیر اسلامی ایستاده و هزینه های اقتصادی و سیاسی آن را می پردازد، طرح مدعای برگشت نسل جدید از نظام دینی سخنی بدون دلیل و غیر منطقی است. این در حالی است که مشارکت جوانان در برنامه های مذهبی و مقاومت اسلامی در برابر دشمن نسبت به اول انقلاب گسترش فراوانی یافته و از کمیت و البته عمق کیفی قابل توجهی برخوردار گردیده است. این نکته در ارزیابی های دشمن نیز قابل مشاهده و استناد است. این مهم را در یادداشت آتی مورد تحلیل قرار خواهیم داد. ان شاء الله